

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

ایشان برای فضولی سه صورت ذکر کردند صورت سوم ان بیع الفضولی لنفسه برای خودش بفروشد بعد به مالک بگویند مالک اجازه بدهد آیا این بیع برای مالک درست می شود یا نه متعارف این قسمش همان غصب است برود کتاب کسی را غصب بکند برود بازار بفروشد به اسم خودش بفروشد بعد توبه بکند به مالک بگوید من کتاب شما را غصب کردم یا توبه هم نکند مالک بگوید خیلی خوب غصب کردی فروختی قیمتش خوب است من قبول دارم آیا این درست است یا درست نیست این قصد خودش را کرده یعنی بایع قصد خودش را کرده بعد که مالک اجازه می دهد بگوییم بیع برای مالک واقع می شود دیگر از همان جا از همان اول من اشکالش چون چند جور اشکال دارد .

مرحوم شیخ اینجا خیلی طولانی صحبت کردند در اینجا خیلی طولانی صحبت کردند خیلی ، از صفحه ی تقریباً تا آخرش را اجمالاً خواندم از صفحه ی ، دو تا هم تنبیه دارند بقی هنا امران ، از صفحه ی ۳۷۶ تا ۳۹۷ طولانی در این مطلب و خیلی اشکالات چون فرمودند زیاد به این مساله اشکال شده این مورد اشکال واقع شده اشکالات را زیاد مطرح کردند باز خدا رحمت کند مرحوم نائینی مختصرش کرده یک مقداری یک دو سه تا اشکال اساسی را مطرح کرد مثلاً منشی غیر از مجاز است مجاز غیر از منشی است و از این جور چیزها .

علی ای حال یک مقداری اینجا همین جور با خودم فکر می کردم که بخوانیم این بحث را یا نخوانیم این بحث را چون خیلی طولانی صحبت کردند خیلی هم محصلی ندارد یعنی به نظر من یک نکات فنی دارد . مثلاً اگر ما چون در باب بیع عرض کردیم چون تبدیل است به قول آقایان مبادله یا تملیک یا تعهد در باب بیع رأی معروفتر همین که در حوزه های ما لا اقل مبادله مال بمال یا تبدیل مال بمال بعضی ها گفتند تبدیل مالکین است حقیقت بیع ، اگر ما در بیع مالک را رکن گرفتیم خوب واقعا این صورت مشکل دارد دیگر ، اگر مالک را رکن نگرفتیم مشکل ندارد می دانید بحث های طولانی دو تا کلمه است .

گفت العلم نقطة واحدة کثرها الجاهلون ، علم این را در مصابیح الانوار مرحوم سید عبدالله شبر آورده من جای دیگر ندیدم قبل از ایشان شاید هم آمده باشد ، نگاه بکنید العلم نقطة واحدة ، ایشان می گوید نسب الی امیرالمؤمنین در مصابیح الانوار دارد کتاب قشنگی است انصافاً مصابیح الانوار ایشان دو جلد است مرحوم آقای سید عبدالله هم مکرر است زیاد کتاب دارد و کتاب هایش هم بعضی هایش

خیلی لطیف است یک حق المبین است یک دوره عقاید است اصلا عده ای هستند در حوزه عقاید او را درس می دهند حق المبین مرحوم سید عبدالله شبر ، یک تفسیر موجزی دارد خیلی مرد موفقی است انصافا مرحوم سید عبدالله شبر .

یک کتابی دارد مصابیح الانوار فی حل مشکلات الاخبار ، اخبار مشکله را آنجا دو جلد است نسبتا قطور هم هست بد نیست قشنگ نوشته است خوب است علی ای حال من همیشه عرض کردم که غیر از حالا استبصار مرحوم شیخ طوسی ما یک کتاب کلی داشته باشیم اخبار معارض شیعه را در همه ی ابواب جمع بکند خیلی خوب است در عقائد باشد ، در اخلاق باشد ، در احوال قیامت باشد ، در احوال امامت باشد ، در شرح احوال ائمه باشد ، تاریخ باشد ، تاریخ انبیاء باشد یک خبر این جوری است یک خبر آن جور است . برای ما واقعا هم تعجب آور است هنوز هم

یکی از حضار : کسی که نقل کرده عوالی نقل کرد

آیت الله مددی : پس ایشان از عوالی گرفته است .

علی ای حال برای من چون بعضی ها می دانید راجع به ابن عباس حتی مثلا یک موسوعه نوشتند مجموعه نوشتند ۱۰ جلد ، ۲۰ جلد الی آخره ، جالبش این است که به عمر ایشان در حین وفات رسول الله سه تا قول دارد ۱۰ ساله ، ۱۲ ساله ، تقریبا ۱۴ ساله حالا عجیبش این است که در کتب اهل سنت من توقع داشتم این آقایانی که تحقیق کردند و نوشتند لا اقل یک تحقیقی کردند دیدم نه تحقیق هم ننوشتند خودم هم که حال تحقیق نداشتم نه تازه چند سال قبل که سر حال تر بودیم دیدم هر سه خبر را هم سعید بن جبیر گفته این خیلی خنده دار است هر سه قول را هم سعید بن جبیر نقل می کند خوب این حتما ، می خواهم بگویم مشکل در تعارض این طور نیست که فقط در احکام از راوی بله آقا ؟

یکی از حضار : سه تا خبر چه چیز نفهمیدم !

آیت الله مددی : عمر ابن عباس در وقت وفات رسول الله ۱۰ سال بوده این هم سعید می گوید ۱۲ سال بوده ، همین سعید می گوید

۱۴ سال هم سعید می گوید هر سه تا را ایشان نقل می کند .

این که خود ابن عباس حدود سال های هجرت به دنیا آمده اما به مدینه نیامدند ، عباس مسلمان شده بود اما به مدینه نیامده بود هجرت نکرد سال هشتم که پیغمبر دیگر آماده شدند برای فتح مکه ایشان با زن و بچه عازم مدینه شد وقتی هم رسید پیغمبر به ذوالحلیفه رسیدند از مدینه درآمده بودند لذا ایشان وارد مدینه نشد از همان جا رفت با پیغمبر برای فتح مکه

یکی از حضار: ثمان و ستین ، سنة تسع و ستین بالطائف

آیت الله مددی: این وفات است آقا، یک کمی اشتباه مختصری شد ولادت را با وفات جابجا گرفتید من بحث ولادت بود این ثمان و ستین بالطائف برای وفات ایشان است. بله حتی می گویند وقتی که فوت کرد یک کبوتر سفیدی از کفنش بیرون درآمد این هم نوشتند شاید

یکی از حضار: برای من جالب است قد ذهب بصره لبکائه علی علی والحسن والحسین

آیت الله مددی: این هم نوشتند چون ابن عباس در آخر عمرش کور شد این مسلم بود اواخر عمرش حالت کوری دارد.

علی ای حال خیلی می خواهم بگویم تعارض گاهی اینجوری است یعنی در یک حد خیلی تعجب آوری است که یک راوی واحد چون یکی از شاگردان بسیار مهم ابن عباس ، سعید بن جبیر است اصولا در اهل سنت سعید یکی از شاگردان بسیار بسیار مهم ابن عباس است، سعید بن جبیر که به دست حجاج کشته شد.

البته ایشان معلوم هم نیست شیعه بوده می گویند احتمالا به عنوان مختار و حرکت مختار و اینها بوده به خاطر تشیع ، نوشتند اما معلوم نیست حالا شیعه باشد آن معنایی که ما می گویم. علی ای حال که ما

یکی از حضار: ظاهرا قم تبعید بوده است.

آیت الله مددی: سعید بن جبیر؟

یکی از حضار: بله

آیت الله مددی: نشنیدم ، قمی وجود نداشته که تبعید بشود ، چون قم سال ۸۳ زمان حجاج کومه به آن می گفتند.

یکی از حضار: در همین حوالی و رسیدنش به اینجا بوده در

آیت الله مددی: آنها را اشعری ها آمدند کسی نیامده از عرب ها کسی نبوده است ، یک مقدار خود قمی ها بودند همین هایی که بودند آنها هم بیشتر چوپان بودند چون اینجا شهر نبوده است.

یکی از حضار: در جمکران و اطراف روستا را نوشته بودند که تبعیدگاه سعید بن جبیر

آیت الله مددی: خوب می نویسند از این دروغ ها می نویسند.

علی ای حال از این دروغ‌ها زیاد است اینقدر هست هم که آن سرش نا پیدا است. الان چند تا به عنوان مزار یحیی بن زید نوشتند که این مثلا یکی هم نزدیک مشهد است که اینجا قبر یحیی بن زید، اصلا یحیی بن زید در ایران کشته نشد در جوزجان افغانستان که به آن می‌گویند استان سرپل، اصلا اینجا نبود ایشان در جوزجان قبرش هست حرم دارد تشکیلات دارد کاملا واضح است اینجا به اسمش گرفتند احتمالا مقام ایشان بوده است یعنی همان طور که ایشان فرار می‌کرده از کوفه بعد از جریان پدرش مثلا در خراسان تا شنیدند ایشان آمده در یک جایی بوده عده‌ای مثلا با او بیعت می‌کردند.

یکی از حضار: خود زیدیه زیارت می‌آیند.

آیت الله مددی: نه زیارت برای ایشان نمی‌آیند یحیی نمی‌آیند، آمل می‌روند برای مثل ناصر کبیر و من از این زیدی پرسیدم که حسن بن زید آن اولین امامشان در ایران گفت نه ایشان حرم ندارد در این آمل حرمش دور است گفتم من فکر می‌کنم، گفت نه برادرش محمد بن زید است گفتم من خیال می‌کردم حسن بن زید اینجا باشد، شش تا هستند اصلا شش تا حرم دارند به حساب زیدیه می‌آیند، رسمی هم نمی‌آیند یعنی رسما مثل دولت و اعلام و مردم و اینها نه می‌آیند می‌روند آنجا زیارت می‌کنند، لکن از همه‌شان مهم‌تر ناصر کبیر است جد مادری سید مرتضی آن هم دارد مجموعا شش تاست.

ایشان ادعا می‌کرد که برای حسن بن زید، حسن بن زید زمان امام هادی قیام می‌کند در طبرستان یعنی اولین قیام زیدیه در ایران است در یمن نیست یمن بعد از ایران است به خلاف آن که مشهور است ایشان ادعا می‌کرد محمد بن زید است برادر ایشان است آن که در آمل است ادعای ایشان این بود من فعلا چون نرفتم خودم هم خبر ندارم نمی‌دانم من در ذهنم همیشه حسن بن زید بود البته دو تا برادر قریب المخرج هستند خیلی مشکل ندارد چون می‌گفت نه حدود ۱۰۰۰ کیلومتر حسن بن زید با ایشان فاصله دارد آن طرف است در طبرستان به هر حال حالا وارد این بحث‌های جنبی نشویم.

این مساله‌ای را که ایشان مطرح فرمودند خیلی طولانی است و این انصافا به اصطلاح ما این مشکل را در اخبار داریم حالا این طور نیست که حالا دو جلد و اینها استبصار باشد و اینها به هر حال ایشان خیلی اشکال کرده

یکی از حضار: تاریخ قم گفته است این را

آیت الله مددی: که چه آقا؟

یکی از حضار: همین سعید بن جبیر آمده است اینجا

آیت الله مددی: اصلاً جمکران معروف است بعد از تاریخ قم است ۳۹۹ است.

یکی از حضار: سعید بن جبیر از جمله موالیان بنی اسد بود که گریخت و آمد به ایران

آیت الله مددی: شاید به خاطر اشعری‌های یمنی آمده است، شاید به خاطر آن اما قم مطرح نبود، چون قم ۸۳ جد احمد بن محمد بن عیسی بن سعد است، عیسی بن کذا آن آمد اینجا دو تا برادر بودند بعد برادر سوم اضافه شد اینهایی که در قم بودند کومه بود اینجا چون آب بود این نهر قم اینجا مرتع خوبی بود لذا کومه کومه بود یعنی خیمه خیمه بود آن وقت یک جایش به اصطلاح به قول ما میدان دام که الان می‌گوییم این میدان اساسی بود این میدان اساسی آنجا بود که مثلاً کارها آنجا انجام می‌گرفت که به زبان محلی آن زمان روی قواعد زبان فارسی کمیزان می‌گفتند یعنی کومه میزان، در فارسی مثل انگلیسی مضاف الیه مقدم است. الان نه مضاف را مقدم می‌کنیم می‌گوییم میدان کومه یعنی میدان چادرها، میدان، بعدش هم میزان می‌گفتند که ما الان میدان می‌گوییم اگر دال یا ذال قبلش حرف علت ساکن بود یا الف بود، الف که دائماً ساکن است یاء و واو ساکن بود به او ذال خوانند و الا دالش خوانند این طبق قاعده‌ای که داشتند میدان چون یاء ساکن است به او میدان می‌گفتن همین میدان که ما الان می‌گوییم.

یکی از حضار: سال ۹۵ شهید شده است؟

آیت الله مددی: چه کسی؟

یکی از حضار: همین سعید

آیت الله مددی: سعید بله اما در کوفه

یکی از حضار: خوب بله در خیام عبدالرحمن بن محمد بن اشعث است

آیت الله مددی: گرفته نه بعد آوردنش کوفه مقابل حجاج کشتند او را

یکی از حضار: خوب اشکال ندارد می‌خواهم بگویم که

آیت الله مددی: چون قیام ابن الاشعث که به اصطلاح دیر الجماجم به آن می‌گویند یکی از قیام‌ها بسیار مهم اهل سنت است زیدی

نیستند اینجا از زیدیه نیستند نه یکی از قیام‌های مهم اهل سنت شاید یکی از مهم ترین قیام‌های علیه بنی امیه همین قیام اوست.

یکی از حضار: این شیعیان هم درش بودند.

آیت الله مددی: درش بودند و خیلی هم درش قراء و حفاظ و علماء یکی از قیام‌هایی است که قیام‌هایی است که و اینقدر هم سر افتاد که آنجا را دیر الجماجم می‌دانند جمجمه به اصطلاح اما در ۸۳ است آن به نظرم در ذهن من دیر الجماجم نگاه کنید کلمه ، به نظرم سال ۸۳ است به نظرم دیر الجماجم که نزدیک همین طاق کسری بوده است خیلی قیام عجیبی است اصلا زید که ۱۲۰ است قیامش این خیلی قبل از قیام زید است .

یکی از حضار: می‌گویند از افغانستان شروع شده است یعنی از آنجا شروع کردند تا رسیدند

آیت الله مددی: به کوفه رسیدند بعد هم رفتند برای آنجا

یکی از حضار: سال ۸۳ است بعضی‌های می‌گویند

آیت الله مددی: بله من در ذهنم ۸۳ من الان در ذهنم ۸۳ است .

یکی از حضار: اینجا نوشته که بعد از آن که شکست خورد

آیت الله مددی: چه کسی شکست خورد؟

یکی از حضار: عبدالرحمن ، بعد از آن سعید فرار کرده آمده ایران در قم و اصفهان و

آیت الله مددی: همان ۸۳ است

یکی از حضار: به بعد

آیت الله مددی: ها شاید همراه اشعری‌ها آمده است چون عرب بودند همراه اشعری‌ها آمدند اما قم نمانده یعنی قمی اصلا نبود آن وقت کومه می‌گفتند بله آن وقت ما الان چند تا یکی دو تا راوی داریم کمیزانی که اصلا اینها متحیرند چطوری بخوانند این کلمه را این کلمه کمیزان یعنی کومه میزان که الان به فارسی امروز بخواهیم بگوییم میدان خیمه‌ها چادرها ، میدانی که چادرها آنجا بود چادر را کومه می‌گفتند الان هم کومه ، کومه یعنی چادر ، چون اینها چوپان بودند .

آن وقت کمیزان به آن می‌گفتند اختصارا مثل میدان جامع مثلا بازار جامع مثلا میدان کهنه این طوری یک میدان عمومی بود به این محل کمیزان می‌گفتند کمیزان این است و به صورت بیشتر محله محله بود اصلا شهریت نداشت شهریت را اشاعره به قم دادند اصلا حالت شهریت قم دست اشاعره انجام گرفت .

و لذا خود اشاعره هم حاکم قم بودند یعنی حکومت هم به آنها واگذار شد مخصوصا حکومت از بغداد بود و این بغداد هم که خوب چون عرب بودند به اینها واگذار کردند اینها هم به حساب عرب بودند . در همین تاریخ قم که دائما می گوید عربها مرادش از عربها اشاعره است در تاریخ قم عربها زیاد به کار برده ، کلمه ی عربها مرادش همین اشاعره است .

علی ای وقت ما هم تمام شد نتوانستیم صحبت کنیم .

این بحث را ایشان مطرح فرمودند و ایشان فرمودند والاقوی صحت است و مالک اگر اجازه داد برای مالک می شود ولو غاصب خودش را فرض کرده آن وقت خیلی اشکال دارد یک ، دو ، سه ، همین جور منها ، منها ، منها عرض کردم مرحوم آقای نائینی یک چند تا مهمش را آوردند نمی دانم بخوانیم یا خیلی به نظر من نکته ی فنی ندارد همین جور به حساب حتی حال خواندنش را هم نداریم چون وقت می گیرد .

یکی دو تا ، یکی اش این است که تبدیل مالکین نیست ، تبدیل مالک نه اگر تبدیل مالکین بود ممکن است بگوییم مبادله یکی از حضار : در فضولی حقیقتا خودش را مالک فرض می کند .

آیت الله مددی : بعدش هم همین را مرحوم نائینی می گوید فضولی خودش را مالک جعلی فرض می کند سارق در اینجا غاصب ، غاصب می رود آنجا اصلا مثل آدم مالک معامله می کند کتابت را فروختم فلان ، صحبت

یکی از حضار : حضرتعالی درست می دانید بیع غاصب را ؟

آیت الله مددی : بیع غاصب اگر مالک اجازه داد اشکال دارد چه اشکال دارد بحث سر این است که مالک اجازه بدهد .

یکی از حضار : نه می خواهم بگویم فضولی می دانید ؟

آیت الله مددی : آری دیگر چه اشکالی دارد ؟ بیع غاصب هم جزو فضولی است .

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین